

یادداشت

ثروت‌اندوزی سترون وزیان‌بار

۴. البته کشور و جامعه ایران در جمع جبری سزمین و افرادش در تولید و ثروت هنوز هم فقیر نیست، ولی گروهی تازه از راه رسیده می‌گویند «همه چیز برای ما و هیچ برای دیگران». در نتیجه بیشتر ثروت و توان مصرف در این طبقه است و «دیگران» نهنتها نمی‌توانند اسباب معاش مثل مسکن مناسب و غذای کافی داشته باشند، بلکه شخصیت و آبروی انسانی و شهروندی خود را هم در معرض فروپاشی می‌بینند. برای آنها کارمندی و مزدبگیری به‌نوعی بردگی می‌ماند که فقط در قبال درآمد کار مداوم و گذران زندگی برای آنها ممکن می‌شود. تنها تفاوت این زندگی با بردگی در این است که بردگی دائمی است ولی روزمزدی روزانه است.

۵. این پدیده در برهه‌هایی از زمان در کشورهای دیگر هم پدید آمده است و حتی بانیان اقتصاد آزاد نیز نسبت به چنین پدیده‌های ففزا، از زمان پیدایش «اقتصاد لیبرالیستی کلاسیک» همندار داده‌اند. بیشترین این اندازها را جان استوارت میل در قرن هجدهم داده است. او میل به ثروت‌اندوزی در روح آدمیان را به انتقاد می‌گرفت و آن را تفرکری خبیث می‌نامید. این روزها در جامعه ایرانی که با چند معامله جای با واردات علوفه به در فرایند خصوصی‌سازی (خوانایم خصولتی‌سازی) به اندازه کل بودجه کشور ثروت‌اندوزی سترون رخ می‌دهد بدون اینکه شغل ایجاد شود که اثر آن همچون میخی به چشم مزدبگیران فرو می‌رود، آیا مصداق «همه چیز برای ما و هیچ برای دیگران» نیست؟ طرفه اینکه ثروت‌اندوزان سترون خود را باهوش و دارنده زن خوب می‌شمارند و «دیگران» را که به ثروت‌اندوزی موفق نشدند، بی‌دست‌وا کرده و شخصیت آنها را ناچیز می‌انگارند! ۶. در آمریکا که ثروت‌اندوزی تبدیل به حرص عمومی شده است ولی اکثریت زحمتکش را از آن نصیب چندانی نیست، از ابتدای تأسیس این کشور زیر لای «اقتصاد لیبرالیستی کلاسیک»، تفاوت طبقاتی پدید آمد. بررسی‌های اقتصاددانان از اواخر قرن هجدهم این رویکرد را نشان می‌دهد. اخیرا هم پرفسور نورمن ویر انقلاب صنعتی آمریکا را در کتاب «کارگر صنعتی» (چاپ ۱۹۹۰) روزگار مزدبگیران را در قرن هجدهم در ایالات متحده آمریکا، به‌ویژه برای دوره ۱۸۴۰ تا ۱۸۶۰ بررسی جامعی کرده است. او ایده «ثروت‌اندوزی» را ام‌الخیالت در آفریدن فقر و بدبختی کارگران قرن نوزدهم خوانده است. او معتقد است برای کارگران «نه نانی و نه آبرویی مانده بود. این بود که برای اتحادیه‌های کارگری کاری جز اعتصاب و آشوب نمانده بود. ثروت‌اندوزان هم که اختیار دولت‌های مرکزی و ایالتی را در دست داشتند، جواب مزدبگیران را در خیابان‌ها با گلوله می‌دادند و رهبران‌شان را هم راهی زندان‌ها می‌کردند». پرفسور ویر در گزارشی از انقلاب کارگران در دهه ۱۸۵۰ در شیکاگو، به توطئه‌های ثروتمندان و همکاران دولتی آنها و به‌کشتار اوا ماه می اشاره می‌کند و می‌گوید: برای کارگران بی‌مزد چیزی جز جان‌شان نمانده بود که به خیابان بیاورند. تازه بیشتر آن کارفرمایان، شغل‌آفرین بودند و نه ثروت‌اندوزان سترون. استاد ویر در این کتاب می‌نویسد: «شوبگران قرن نوزدهم تنها از کاستی نان شکایت نداشتند، بلکه برای خود و خانواده‌هایشان زندگانی انسانی و عاطفه می‌خواستند. شعار کارگران دهه ۱۸۵۰ «نان و گل» (Bread and Rose) بود. کارگران می‌گفتند برای همسران هم نان می‌خواهیم و هم باید به آنها گل هدیه کنیم. کارگران نان برای رفع گرسنگی و گل برای عاطفه می‌خواستند».

۷. پس ما هم باید پند بگیریم و در مجلس و دولت کاری کنیم که ثروت‌اندوزی سترون و فرار به خارج «ام‌الخیالت» جامعه ایرانی هم هست.

نیکو فرمود حافظ شیرازی که:
ساقی به جام عدل بده تا گدا/ فرصت نیاورد که جهان پر بلا کند.

معمای سرمایه‌گذاری و دارایی‌های بانک‌ها؛ سرمایه‌گذاری آری یا خیر؟

قطعا اصل مطلب و خواست حاکمیت در این‌باره و حتی درمورد استقلال بانک مرکزی، از نظر علم و تجربه، خیر و گاه صحیح است و موضوعیت دارد، اما بانکداری و مدیریت وجوه، دارای دیدگاه علمی و موضوعی اقتضائی است. تحت شرایط حکمرانی

در جامعه ما، هماهنگی بانک مرکزی با دستگاه‌های دولتی و شرکت رئیس آن در هیئت دولت الزامی است. همچنین بانک‌های تجاری نیز باید نقشی فعال و نه منفعل در اقتصاد بازی کنند و اجازه ندهند اقتصاد از رونق بیفتد.

اگرچه متصدی امور پولی هستند، اما این، به مفهوم ایدمای مطلق نقش غیرمستقیم در سایر بازارهای اقتصاد کشور نیست؛ بلکه این مشارکت باید مبتنی بر مطالعات کارشناسی انجام شود و درصدی از وجوه را در صورت لزوم، خود وارد عملیات اقتصادی کنند. به‌همین دلیل پیشنهاد می‌شود که بانک‌ها در صورت تشخیص، وارد بازار سرمایه اولیه شوند، اما روی آن نمانند، بلکه مدام ایجاد ظرفیت سرمایه جدید کنند تا تشکیل سرمایه در کشور رشد کند. ولی پس از راه‌اندازی و سوددهی، به قیمت روز در بازار سرمایه ثانویه، سهام آنها را به مردم (شخص‌های حقیقی و حقوقی) عرضه کنند و آنها خارج شوند. از این طریق به اشتغال و تولید توجّه کم شایان می‌شود و به جای مردم نیز در اقتصاد نمی‌نشینند و کارایی لازم نیز در اقتصاد حفظ خواهد شد. البته سرمایه‌گذاری بانک‌ها در یک واحد فرضا تولیدی، باید اولا در مقیاس بزرگ باشد که از عهده اشخاص با سرمایه کوچک برنیاید، دوم اینکه بر مبنای طرح توجیه اقتصادی متقن انجام شده باشد و بخش خصوصی در ادامه فعالیت، راغب به جایگزینی نشود؛ این راهبرد مستلزم آن است که سرمایه‌گذاری منطبق بر حوائج بخش خصوصی تعریف شده باشد. یکی از مضضلات خصوصی‌سازی در ایران این است که بسیاری از صنایع، وفق تایع مطلوبیت دولت و بخش عمومی شکل گرفته است و باوجود آن، انتظار داریم که خصوصی شود. در آن صورت حتما باید اصلاح ساختار و گاه مأموریت داده شوند و پس از این انطباق و مناسب‌سازی، حتی گاه با ارائه تخفیف، برگشت سرمایه را کوتاه کرد تا ورود بخش خصوصی به آن موجه شود.

حفظ ایران با پیشرفت

در روزهای اخیر تنها فردی که به ضرورت حفظ ایران تصریح کرد حجت‌الاسلام‌والمسلمین مصطفی پورمحمدی بود که اظهار کرد اولین اولویت کشور حفظ ایران و سپس معیشت مردم است اما نه از مطبوعات و نه از دولت و نه از دیگر افراد از این سخنان استقبال کردند و برعکس دولت خود را به بازی و سرگرمی مشغول کرده و فعلا یا در پی تغییرات در تشکیلات است یا در پی جلسات متعدد و ادغام سازمان‌های بانژستنگی و دل‌مشغولی برای تهیه جدولی برای قیمت‌بزنین که رقیب جدول لگاریتم شود و به جای انتخاب خط‌مشی مشخص برای حفظ ایران -که باید شاخص همه تصمیم‌گیری‌ها باشد- به مسائل یادشده می‌پردازد و سخنگوی دولت بدون آنکه بداند مردم قوه دراکه دارند، سخنانی برای مالدکشی تصمیم‌گیری نرخ‌بزنین می‌گوید که نرخ پنج هزار تومانی برای مبارزه با قاچاق بزنین تعیین شده است و اینکه بزنین قاچاق از جایگاه خارج می‌شود. درحالی‌که اعتراف می‌کنند که نمی‌توانند با قاچاقچیان مبارزه کنند. سؤال اینجااست که آیا دولت به حفظ ایران معتقد است؟ و آنچه به نام ۳۸ درصد پیشرفت قانون توسعه مطرح شده، آیا اندکی در حفظ ایران مؤثر بوده است یا اینکه به عقیده دولت اینها ربطی به هم ندارند.

می‌گوید جمع زمین مکتب نیست اما همان‌طور که دولت خود جمع ضنین است، در عمل هم این‌گونه است زیرا هم حفظ ایران فراموش شده و هم ۳۸ درصد در اجرای قانون پنج‌ساله پیشرفت توفیق داشته‌ایم. ما که نمی‌فهمیم.

ادبیاتاز صفحهٔ اول

شرق؛ وضعیت سرانه آموزشی در مدارس ایران نامطلوب است. براساس اعلام وزارت آموزش و پرورش، میانگین سرانه آموزشی کشور ۵۰۲۲ مترمربع به ازای هر دانش‌آموز است. این در حالی است که استاندارد فضای آموزشی باید ۸۰۴ مترمربع به ازای هر دانش‌آموز باشد و براساس برنامه هفتم توسعه باید سرانه آموزشی کشور به حد استاندارد برسد.
بالین حال، همچنان سرانه آموزشی بسیاری از نقاط کشور پایین‌تر از میانگین کشوری است. برای مثال، سرانه آموزشی مازندران حدود ۴۰۸ مترمربع به ازای هر دانش آموز است و این وضعیت در شهرستان‌های این استان و به‌ویژه روستاهای آن بسیار پایین‌تر از میانگین استانی است.
حالا ۱۰۴ مودی مالیاتی در طرح نشان‌دارکردن مالیات انتخاب کرده‌اند که با مالیات آنها مدرسه مصطفی خمینی در منطقه‌خطیرکلا قائمشهر مازندران ساخته شود. وضعیت سرانه آموزشی در ایران با استاندارد جهانی فاصله درخور توجهی دارد. براساس اعلام سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور، در حال حاضر سرانه فضای آموزشی در کشور به صورت میانگین ۵۰۲۲ مترمربع است که همچنان با استانداردها فاصله دارد. این سازمان تاکید می‌کند که استاندارد فضای آموزشی در کشور ۸۰۴ مترمربع تعیین شده و اگرچه سرانه فضای آموزشی با همکاری خیران مدرسه‌ساز افزایش یافته است، اما هنوز با وضعیت مطلوب فاصله دارد.
استاندار فضای آموزشی حدود ۸۰۴ مترمربع است، درحالی‌که میانگین کشوری ۵۰۳ مترمربع و مناطقی از کشور سرانه فضای آموزشی‌شان زیر سه مترمربع است. در حال حاضر ۱۷ میلیون دانش آموز در ۱۰۸ هزار مدرسه کشور تحصیل می‌کنند و براساس اعلام وزیر آموزش و پرورش، چیزی حدود ۳۰ درصد مدارس کشور فرسوده هستند. کمبود سرانه آموزشی در مدارس کشور در شرایطی است که حمیدرضا خان‌محمدی، رئیس سازمان نوسازی و تجهیز مدارس آموزش و پرورش، به باشگاه خبرنگاران گفته است با توجه به اسناد بالادستی، سرانه آموزشی در سال به ازای هر دانش‌آموز ۸۰۳۹ است. براساس گفته خان‌محمدی، «شاخص ما برای رسیدن به سرانه آموزشی آن چیزی است که در سند تحول مشخص شده و در سند زیر نظام و تجهیزات بیان شده است. ۸۰۳۹ مترمربع، سرانه‌ای است که به ازای هر دانش‌آموز برای ساخت مدرسه در نظر گرفته شده، اما این سرانه در حال حاضر ۵۰۲۸ است». او افزود: «اول انقلاب سرانه آموزشی به ازای هر دانش‌آموز ۱۰۵ مترمربع بوده که در این مدت رشد ۳۰ تا ۴۰درصدی جمعیت دانش‌آموزی را داشته‌ایم. چالش جمعیت دانش‌آموزی در این سرانه‌ها بسیار مؤثر است». او ادامه داد: «جابه‌جایی جمعیتی، ترکیب جمعیتی و تغییرات آن یکی از عوامل مداخله‌گر مانده مهاجرت، خشک‌سالی و فضای کاری در حاشیه شهرها بوده که ساخت‌وساز را دچار مشکل کرده است و ما نسبت به آن باید واکنش نشان دهیم». او گفت: «سرانه آموزشی آنان به‌روزرسانی خواهد شد. در ۷۲۰ منطقه کشور حدود ۲۶۰ منطقه زیر میانگین سرانه آموزشی قرار دارند و ۴۰ شهرستان سرانه زیر سه مترمربع دارند. برای اینکه به سرانه بالادستی و برنامه هفتم برسیم، در مجموع باید ۱۲ مترمربع مدرسه ساخته شود که یک میلیون کلاس می‌شود».

سرانه آموزشی مازندران زیر میانگین کشوری

در این میان، اوضاع برخی استان‌ها در اختصاص سرانه آموزشی بدتر است و شرایطی به‌مراتب نامساعدتر از میانگین کشوری تجربه می‌کنند. به‌عنوان مثال، اداره کل نوسازی، توسعه و

۱۰۴ مودی مالیاتی در طرح نشان‌دارکردن مالیات انتخاب کرده‌اند که با مالیات آنها مدرسه در منطقه خطیرکلا قائمشهر مازندران ساخته شود

مالیات در خدمت آینده‌سازان



تجهیز مدارس مازندران اعلام کرده است در سال‌های اخیر، فضای کلاس درس در مازندران ۴۰۸ مترمربع به ازای هر دانش‌آموز بوده است. استان مازندران دارای ۵۰۸ هزار دانش‌آموز است که در شهرهای مختلف این استان در حال تحصیل هستند. مازندران دارای چهارهزارو ۳۰۰ مدرسه دولتی است که براساس آخرین برآوردها، حدود هزار مدرسه دولتی فرسوده و تخریبی هستند. این در حالی است که تأمین این سرانه آموزشی برای دانش‌آموزان نیاز به بودجه درخور توجهی دارد. یونسویرستمی، نماینده عالی دولت در مازندران، در این زمینه گفته است: نهضت توسعه آموزشی با هدف دستیابی به اهداف بلندمدت و با محوریت مشارکت مردمی در حوزه آموزش و پرورش از اولویت‌های اساسی دولت است. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی استانداری مازندران، مهدی یونسویرستمی، نماینده عالی دولت در مازندران، بر اهمیت نوسازی، بازسازی و مقاوم‌سازی مدارس مازندران در راستای تحقق عدالت آموزشی تاکید و اظهار کرد: تخریب و بازسازی مدارس غیراستاندارد و مقاوم‌سازی مدارس فاقد استحکام در اولویت قرار دارد. یونسویرستمی در همین راستا از تأمین و اختصاص دوهزارو ۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار برای احداث ۱۳۰ مدرسه تخریبی با ۷۰۰ کلاس درس خبر داد.
استاندار مازندران با بیان این نکته که همبستگی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در تحقق عدالت آموزشی ضروری است، افزود: بنا داریم مدارس نایمن را با کمک آموزش و پرورش، فرمانداران و خیرین، بازسازی کنیم.
استاندار در ادامه افزود: تمام مدارس تخریبی شناسایی شده و در حال بازسازی است و با برگزاری جلسات متعدد در راستای نهضت توسعه عدالت آموزشی، از اقدامات و برنامه‌های مهم رئیس‌جمهور برای گسترش عدالت در فضای آموزشی حمایت می‌کنیم. یونسویرستمی به جزئیات این طرح اشاره کرد و افزود: مازندران ۲۰ پروژه تخریبی بزرگ‌مقیاس دارد که در قالب مجتمع‌های بزرگ آموزشی در حال اتمام است.

مقام ارشد دولت در استان با بیان اینکه در هر هفته دو مدرسه فرسوده تخریب و عملیات ساخت آنها آغاز می‌شود، خاطرنشان کرد: ۲۷ پروژه آموزش و پرورش در قالب ۱۶۱ کلاس درس در شش‌ماه اول افتتاح خواهد شد که از این تعداد ۱۵ مدرسه در هفته دولت و بقیه پروژه‌ها در مجموع ۷۰۰ کلاس درس نیز در مجتمع‌های بزرگ آموزشی در حال اتمام است.
مقام ارشد دولت در استان با بیان اینکه در هر هفته دو مدرسه فرسوده تخریب و عملیات ساخت آنها آغاز می‌شود، خاطرنشان کرد: ۲۷ پروژه آموزش و پرورش در قالب ۱۶۱ کلاس درس در شش‌ماه اول افتتاح خواهد شد که از این تعداد ۱۵ مدرسه در هفته دولت و بقیه پروژه‌ها در مجموع ۷۰۰ کلاس درس نیز در مجتمع‌های بزرگ آموزشی در حال اتمام است.

سد بختیاری و فقدان اعتماد اجتماعی در مدیریت منابع آب

سد بختیاری اکوسیستم ارزشمند را نابود می‌کند، زیستگاه گونه‌های مهم جانوری را تخریب می‌کند و قطع ارتباط اکولوژیک رودخانه را در پی دارد که هیچ‌گاه احیاشدن نیستند. همچنین فعالان محیط زیست هشدار می‌دهند که مخزن بزرگ سد بختیاری می‌تواند به جای حل بحران، برای انتقال آب از کارون به استان‌هایی استفاده شود که لابی سیاسی قدرتمندتری دارند. تضمین‌ناپذیری حقایقه‌ها و فشارهای سیاسی بر تخصصی آب، روندی است که ریسک ساخت سد بختیاری را بالا می‌برد. با این حال شاید مهم‌ترین روایت متعلق به کسانی باشد که زندگی‌شان از جریان رودخانه تغذیه می‌شود، کشاورزان و ساکنان پایین‌دست کارون. آنها ادبیات و نگاه تخصصی ندارند اما مسئله را خیلی ساده بیان می‌کنند: اگر سدها برای تنظیم عادلانه آب ساخته می‌شوند، چرا زمین‌های‌شان هر سال شورت، کم‌آب‌تر و کم‌محصول‌تر می‌شود؟ تجربه زیسته این گروه نشان می‌دهد که اولویت‌های تخصصی آب، معیشت آنها را در پایین‌ترین رده قرار داده است. ابتدا اولویت با صنایع بزرگ است، سپس طرح‌های کشاورزی کلان شهرهای بزرگ و در نهایت جوامع محلی پایین‌دست. از نگاه آنان، حتی اگر سد بختیاری از نظر فنی ضروری باشد، هیچ تضمینی وجود ندارد که آب ذخیره‌شده در آن، در زمان نیاز به ساکنان پایین‌دست برسد. برای مردمی که در سال‌های گذشته بارها سهم آب خود را از دست داده‌اند، اعتماد به سازه‌ای جدید بدون اصلاح نظام تصمیم‌گیری، دشوار است. پرسش از «تضمین» در همین نقطه معنا پیدا می‌کند. در گفت‌وگو با متخصصان، پاسخ در ظرفیت مدیریت علمی مخزن، تنظیم بین‌سدها و کنترل دقیق جریان خلاصه می‌شود. در نگاه آنان، مسئله اصلی نه وجود سد، بلکه ضعف در مدیریت و هماهنگی است. در مقابل، فعالان محیط زیست می‌گویند تصمیم‌های زمانی معنا دارد که حقایق اکولوژیک ضمانت اجرایی پیدا کند، ارزانی‌های محیط‌زیستی مستقل باشد و سازه سه تنها یکی از ابزارهای موجود برای مدیریت آب باشد. جامعه محلی نیز تضمین را در چیز دیگری می‌بیند: اینکه حقایق آنها ثبت و قانونی باشد، بر روند تخصیص نظارت داشته باشد و تصمیم‌گیری درباره سرنوشت رودخانه بدون حضور آنها انجام نشود.

وقتی به مناقشات پیرامون سد بختیاری نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که اختلاف نظرها ریشه‌ای عمیق‌تر از یک تصمیم‌فنی یا مخالفت محیط‌زیستی دارند. این مناقشات خود نمود بی‌اعتمادی ساختاری و بی‌عدالتی آبی در ایران است. از یو، سکو، کارشناسان فنی با داده‌ها و مدل‌ها از ضرورت مهار سیلاب و کنترل رسوب دفاع می‌کنند و از سوی دیگر، فعالان محیط زیست هشدار می‌دهند که تکرار همان منطق سازه‌محور، بحران‌های زیست‌محیطی را بازتولید می‌کند و ریسک‌های زمین‌شناختی و اکولوژیک جبران‌ناپذیر دارد و جامعه محلی پایین‌دست، تجربه زیسته خود از کاهش دسترسی به آب و نابودی معیشت‌ها را به این بحث اضافه می‌کند. جمع این نگاه‌ها نشان می‌دهد که سرنوشت آب نهم‌تها به تصمیم‌های تخصصی مهندسان، بلکه به لابی‌ها و فشارهای سیاسی و اقتصادی نیز وابسته است و همین امر اعتماد مردم را به هر تصمیمی می‌سوزاند. اینجااست که اهمیت حکمرانی خوبِ آب نمایان می‌شود: حکمرانی عادلانه آب می‌تواند میان این سه نگاه پلی بسازد و تضمین‌کند که منابع، شفاف و قابل رصد باشند، تخصیص‌ها پاسخ‌گو و عادلانه انجام شوند، جامعه محلی مشارکت واقعی داشته باشد، حقایقه‌ها و اکوسیستم‌ها رعایت شوند و تصمیم‌گیری‌ها در اتاق‌های درسته محدود نباشد. به بیان دیگر، حکمرانی عادلانه آب می‌تواند هم تضمین عدالت و شفافیت باشد و هم زمینه اعتمادسازی میان کارشناسان، فعالان محیط زیست و جوامع محلی، تا اختلاف‌نظرها به جای مناقشه، به گفت‌وگوی سازنده و سیاست‌گذاری پایدار تبدیل شوند.

خبر

شرایط خرید ارز مسافرتی و قیمت اعلام شد

سامانه ارز مسافرتی از دیروز از مرکز مبادله ارز و طلا آغاز شد که براساس آن، هر مسافر بالای پنج سال می‌تواند سالانه ۵۰۰ یورو دریافت کند و قیمت آن طبق نرخ مرکز مبادله محاسبه می‌شود.

به گزارش ایسنا، از ظهر چهارشنبه با اعلام بانک مرکزی و مرکز مبادله ارز و طلا ایران، «سامانه ارز مسافرتی» مرکز مبادله شروع به فعالیت کرد. از این پس متقاضیان ارز مسافرتی باید از آدرس اینترنتی travel.ice.ir برای خرید ارز مورد نیاز خود اقدام کنند.

پیرو ابلاغیه بانک مرکزی به بانک‌های عامل در تاریخ ۲۹ مهرماه ۱۴۰۴، این سامانه محل تهیه ارز مسافرتی خواهد بود و در آینده جایگزین روش کنونی فروش مستقیم از طریق بانک‌های عامل می‌شود. با اعلام بانک مرکزی همه بانک‌ها ملزم به تبعیت از این ابلاغیه هستند.

هدف بانک مرکزی از راه‌اندازی سامانه خرید ارز مسافرتی در مرکز مبادله، شفاف‌سازی عرضه ارز، سمدارسی و یکجاسازی تقاضا و همچنین بهبود خدمات‌رسانی به مسافران است. نبود این سامانه باعث افزایش تقاضا در صرافی‌ها و ایجاد اختلال در عرضه ارز شده بود. این اقدام بانک مرکزی، مدیریت و رصد بازار را راحت‌تر می‌کند. در ادامه مراحل و نحوه استفاده از این سامانه آمده است:

طبق اعلام مرکز مبادله، متقاضیان اکثراً تا ۳۰ روز تقویمی پس از تاریخ‌سازای عرضه ارز، سامانه‌ای و فرصت دارند از خود ارز دریافت کنند. در صورت مراجعه‌نکردن به‌موقع، درخواست لغو، و وجوه ریالی به شماره شبای اعلامی عودت داده می‌شود. درخواست ارز مسافرتی هفت روز تقویمی قبل از تاریخ پرواز امکان‌پذیر است.

ارز مسافرتی هوایی برای هر شخص حقیقی بالای پنج سال، سالانه تا سقف معادل ۵۰۰ یورو قابل پرداخت است. هم‌انکون در این سامانه صرفا سفرهای هوایی مشمول دریافت ارز مسافرتی بوده و امکان دریافت ارز مسافرتی برای سفرهای زمینی، ریلی و دریایی وجود ندارد.

نرخ ارز مسافرتی

پیش از آبان ۱۴۰۴ نرخ ارز مسافرتی فاصله درخور توجهی با قیمت‌های بازار آزاد داشت، اما از سوم آبان محاسبه نرخ‌ها به صورت روزانه و مطابق با روند بازار آزاد از طرف بانک مرکزی انجام می‌شود. این اقدام باعث کاهش اختلاف نرخ‌ها و ایجاد شفافیت بیشتر برای مسافران در برنامه‌ریزی مالی شده است. درواقع محاسبه براساس نرخ ارز در مرکز مبادله ارز و طلا ایران در زمان پرداخت وجوه ریالی انجام می‌شود.

یادداشت

تهران؛ شهر شکوفایی هنرو فرهنگ

این تمایل باید در شهر نمود کالبدی نیز پیدا کند. برداشتن فشارهای بی‌نتیجه از تمایلات عامه به داشتن

محیطی ساده، زیبا و زیست‌پذیر همان‌قدر ضروری است که کنترل فضا‌های شهری و برقراری نظم و امنیتی واقعی و انسانی در فضای خیابان. مثلا شک ندارم که آرام‌سازی فضای خیابانی قدیمی و پُر‌نشان از یک گذشته فرهنگی-هنری درخشان و مردمی مانند لاله‌زار، می‌تواند حیات فرهنگی-هنری جدیدی را برای تهران شکوفا کند؛ جبرانی که با سامان‌دادن به عدم توقف موتور‌ها و موتور‌ی‌ها در خیابان به کمک پلیس، بی‌شک حیات تهرانی‌های سرد و گرم روزگار خنجر را راحت می‌کند تا با طیب خاطر خیابان لاله‌زار را به‌عنوان مقصد ساعت‌های فراغت خود قرار دهند.